

فصلنامه راهبرد سیاسی  
سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۱، تابستان ۱۴۰۱  
صفحات: ۹۹-۱۱۲  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱  
نوع مقاله: پژوهشی

## ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران

احمد کلهری\* / علی محسنی\*\* / محمد حسن الهی منش\*\*\*

### چکیده

متد و الگوی حکمرانی خوب از مباحث تازه و کلیدی است که بیش از دو دهه اخیر به ادبیات توسعه وارد شد و به سرعت توجه همگان را به خود معطوف کرد. حکمرانی خوب برای دوری جستن از نتایج و عواقب حکمرانی بد بوده است، زیرا فقدان یک حکومت مردم سالار و عدم ساختارهای دموکراتیک موجب بروز مشکلات و ناهنجاری‌هایی از قبیل: فقر، نابرابری، عدم اشتغال، فساد، عدم بهداشت و آموزش و عدم توزیع مناسب ثروت در سطح جامعه می‌گردد. حکمرانی خوب دارای شاخص‌ها و ویژگی‌هایی چون: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی یا اجماع، برابری، اثربخشی و کارایی است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر تلاش دارد که به ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران بپردازد. لذا در پاسخ به این پرسش تنظیم شده است که حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با توجه به شاخص‌های آن چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد سنجش قرار می‌گیرد آن است که: در جمهوری اسلامی ایران به جهت آنکه سیاستگذاری در چهار حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وسیله دولت و به شیوه عمودی صورت می‌گیرد، نتایج این سیاست‌گذاری دولت ناهمسو به شاخص‌های حکمرانی خوب است. لازم به ذکر است که روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، مشاهده و مطالعه است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو اسناد و مدارک و همچنین جستجو در شبکه‌های مجازی و اینترنتی انجام شده است. اما ماهیت پژوهش، توصیفی و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها می‌باشد.

### کلید واژه‌ها

حکمرانی خوب، جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت قانون، پاسخگویی، اجماع.

\* دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) dr.amohseni@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

## مقدمه

جهان امروز با چالش‌های زیادی در امور گوناگون روبرو است که این چالش‌ها از متغیرهای زیادی نشأت می‌گیرد و موجب دگرگونی‌های زیادی در امور مختلف شده است. این دگرگونی‌ها باعث تغییر در نقش و وظایف دولت‌ها نیز شده است و دولت‌ها به مانند گذشته قادر به پاسخگویی تمام امور نخواهند بود. بنابراین باید راهکارهای جدیدی پیدا می‌شد تا بتوان دولتی توانمند و پویا با بالاترین میزان از رضایت شهروندان داشت. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۱) الگوی حکمرانی خوب در کرسی‌های دانشگاه و مباحث سیاستمداران از زمانی گسترش یافت که بانک جهانی به ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات خود پرداخت. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۱)

چندین دهه نظریه رایج بر این اصل استوار بوده که مشکلات فقر و عدم توسعه در کشورهای در حال توسعه ریشه در زیر ساخت‌ها و عدم آموزش دارد. بنابراین باید کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه در جهت تأمین این گونه منابع مساعی لازم را به عمل آورند. بانک جهانی بدلیل اینکه همواره تاثیرات مهمی در سطح جهان و سیاست‌های اتخاذ شده کشورها داشته است این بار نیز حکمرانی خوب را بعنوان چارچوب و معیار استاندارد برای اجرای موفق این تئوری می‌باشد. مع الوصف حکمرانی خوب واژه‌ای جدید و بدیع نیست و از چند دهه گذشته نقش بسیار مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر عهده داشته است. اما کارکرد آن بسیار متحول گشته و حالت جهان شمول به خود گرفته است. از زمان‌های قدیم تا کنون کارکرد حکومت را به خوب و بد تقسیم کرده‌اند. (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۵۶)

در نزد مردمان یونان باستان الهه‌هایی که مظهر جنگ و ستیز و بی‌تظمی بودند، حکومت بد را تشکیل می‌دادند و این دسته از الهه‌ها فاقد پدر بودند و مستقیماً از ظلمت و تاریکی زاده می‌شدند. پس از آنکه زئوس (خدای خدایان) تئیس را به همسری برگزید، الهه عدالت متولد شد و به همراه خواهران خود که آنان نیز نتیجه همین وصلت بودند پایه‌های حکمرانی خوب را پی ریز کردند. گرچه داستان، افسانه‌ای بیش نیست اما ذهن را به سمتی سوق می‌دهد که می‌پذیریم حکمرانی خوب و بد واقعیتی است انکار ناپذیر و نظریه پردازان و علمای علم حقوق و اقتصاد تعاریف و مؤلفه‌هایی بر آن بر شمرده‌اند تا وجه تمایزی میان این دو نوع از حکمرانی ایجاد شود. (وحید، ۱۳۹۵: ۵)

در کشور ایتالیا آثاری از پذیرش وجود حکمرانی خوب و بد در نزد مردمان گذشتگان به جا مانده است. در اواسط قرن ۱۴ میلادی یک نقاش ایتالیایی، اثر معروف خود پیرامون وجود تفاوت‌هایی میان حکمرانی خوب و بد را در شهر سانیای به تصویر کشیده است. در قسمتی از این اثر که بیانگر حکمرانی خوب است،

عدالت و انصاف را بر سریر قدرت نشان می‌دهد که نمایانگر بخشندگی، اعتدال فرد، ایمان، امید و احسان و قدرت و صلح است. در این نقاشی، نتیجه حکمرانی خوب یک شهر زیبا با میدین و خیابان‌ها و قصر نشان می‌دهد که زنان جوان در حال رقص و شادی، کودکان در حال بازی و مردان در حال کار و تلاش هستند و شهر پر از فعالیت و کالاهای فراوانی وجود دارد و مدارس نیز به تصویر کشیده شده است. شهروندان در این اثر هنری، آشکارا از یک شرایط متوسط اقتصادی، اجتماعی و هنری برخوردارند. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۶)

در بخشی دیگر از این اثر که حکمرانی بد را به تصویر کشیده است، یک هیبت شیطانی بر سریر قدرت نشسته است که بیانگر بی‌رحمی، خیانت، تجاوز، حيله، خشم، منازعه دردم و عدم اعتماد است. نتیجه این نوع حکمرانی زمین‌های بایر است که در آنها کسی کار نمی‌کند و در آن شهر قتل مردان و تجاوز به زنان رایج است. این نقاشی در شهرداری فعلی سانیا ایالتا به عنوان اندیشه گذشتگان قابل مشاهده است که حکمرانی را عامل مهم در سعادت شهروندان می‌دانند. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۷) در پژوهش حاضر، ضمن تبیین نظری حکمرانی خوب و اهمیت و عناصر آن شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ۱) رویکرد نظری به حکمرانی خوب

حکمرانی خوب را می‌توان پارادایم تغییر نقش و کارکرد دولت نامید و آن را تجویزی برای روبه‌رو شدن با چالش‌های پیش رو در باره نقش دولت، توانمندتر کردن دولت و مشارکت و رضایت شهروندان دانست. مفهوم حکمرانی خوب که بر گردانی از واژه Good Governance به روابط میان شهروندان و حکومت گران اشاره دارد. این اصطلاح که در ادبیات سیاسی و بین‌المللی دهه ۱۹۹۰ وارد شد، به عدم سوء استفاده از قدرت و ثروت حاکمان و فقدان فساد نیز اطلاق می‌گردد. حکمرانی خوب همچنین با احترام به اصول دموکراسی در صدد است تا راه‌های پاسخگویی دولت‌ها را فراهم سازد و حق اظهار نظر و بیان عقاید شهروندان را گسترش دهد. موضوع اصلی در حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که زمینه توسعه پایدار انسانی و مردم سالاری را فراهم آورد. (مقدری، ۱۳۹۵: ۳)

### ۲) اهمیت و مزیت حکمرانی خوب

تغییرات در سیاست‌ها و راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را باید از مزیت حکمرانی خوب دانست. بدون شک در پرتو تغییراتی که به وسیله دولت اعمال می‌گردد، جوامع می‌توانند به میزان قابل توجهی از توسعه دست یابند. یکی از اصول حکمرانی خوب انصاف و عدالت است. این اصل را می‌توان

در ساختارهای حکومتی بالاخص قوه قضائیه مستقل جستجو کرد. حکمرانی خوب باعث تقویت و توانمند و توانمند سازی و ساختارهای حکومتی و صیانت از حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان می‌گردد. اجرای حکمرانی مطلوب در ساختارهای سیاسی اقتصادی و اجتماعی یک جامعه قابلیت اجرایی را دارا می‌باشد و محدود نمودن آن به یک بخش جامعه انتظارات حکمرانی را بر آورده نخواهد کرد. یکی از ابعادی که حکمرانی خوب در آن بسیار حائز اهمیت است، ساختار اداری و بروکراسی در سطح جامعه می‌باشد. مقامات اجرایی در جهت انجام وظایف خود صاحب امتیازات ویژه‌ای می‌گردند. از آن جایی که نفس قدرت، قدرت طلبی و خود کامگی می‌باشد و ساختار اداری در هر نظامی نمایانگر اقتدارات هیات حاکمه می‌باشد، بنابر این پابندی به پارادایم حکمرانی خوب در این بخش از فعالیت‌های دولت بسیار مهم و حائز اهمیت نشان می‌دهد. یکی از مشخصه‌های حکومت‌های مردم سالار، حمایت از حقوق افراد در برابر اعمال و رفتار مقامات اداری است. یکی از مهمترین ابزارهای مهار قدرت مقامات و دفاع از حقوق شهروندان در مقابل خود سری و تصمیمات اداره کنترل قضایی است. در حکمرانی خوب رابطه حکومت کنندگان و حکومت شونده‌گان به گونه‌ای تنظیم می‌شود که هم احترام به حقوق شهروندان رعایت می‌شود و هم شهروندان خود را برای مشارکت و یاری دادن به دولت آماده می‌سازند. به جرات می‌توان گفت که در فرایند حکمرانی خوب در عصر کنونی، دیگر دولت‌ها و حکومت‌ها بدون در نظر گرفتن حقوق ملت نمی‌توانند یک سوبیه سیاست‌ها و برنامه‌های خود را طراحی کنند. (زورانی، ۱۳۹۳: ۵۶)

### ۳) تمیز حکومت از حکمرانی

حکومت نهادی است برای عملی کردن سیاست‌ها و خط مشی‌های متخذه و ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف یک جامعه. اما حکمرانی به معنای راندن، حکمروایی کردن، راهبری و روش حکومت کردن یا عملکرد دولتمردان است. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸)

### ۴) عناصر حکمرانی خوب

حکمرانی خوب مستلزم عناصر سه گانه حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است گستره فعالیت این سه بخش در هر دولتی با توجه به رژیم سیاسی و میزان آزادی و آزادی خواهی بافت تاریخی و فرهنگی آن متغیر است.

**الف) حکومت:** در حکمرانی وب، حکومت باید توأمند باشد تا بتوانند اجزای دیگر را نیز توأمند و کار آمد گرداند. حکومت نقش تنظیم کننده را ایفا می‌کند نه یک مالک و کار فرما. باید با عناصر دیگر همکاری لازم را داشته باشد تا حکمرانی خوب شکل بگیرد و خود یکی از حلقه‌های این زنجیر قرار می‌گیرد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۶)

**ب) بخش خصوصی:** در حکمرانی خوب بخش خصوصی با بستری که دولت فراهم می‌سازد، از طریق مرتفع کردن نارسایی‌ها، حمایت از رقابت سالم و جلوگیری از انحصار می‌تواند به تولید ثروت، اشتغال زایی، رونق اقتصادی اقدام نماید. زیرا این بخش ظرفین بالایی در جهت ایجاد استقلال و پویایی و در آمد زایی در اقتصاد را دارا می‌باشد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۷)

**ج) جامعه مدنی:** جامعه مدنی در چار چوب جامعه شناسی و تجدد گرایی، نوعی شیوه زندگی و نمادی از پیشرفت تمدن بشری است. جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اطلاق می‌شود که خارج از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از تشکل‌های خصوصی نهادهای مشارکت قانونی و مؤسسات تمدنی را در بر می‌گیرد و دارای ارکان و اصولی است که تنها با تحقق یافتن این شاخص‌ها و اصول، جامعه مدنی به مفهوم واقعی خودش نمودار می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌های جامعه مدنی عبارتند از: آزادی، قانونمندی، کثرت گرایی، مشخص بودن حوزه‌های عمومی و خصوصی، تساهل و مدارا. در این جوامع، نظام حاکم کثرت گراست و در آن گروه‌های ذینفوذ، گروه‌های فشار، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، طبقات، رسانه‌های جمعی، احزاب سیاسی، سندیکاها و گروه‌های دیگر سیاسی برای کسب قدرت با هم رقابت می‌کنند. (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷۰). در تعریف دیگر جامعه مدنی گروهی است واسطه بین قدرت حکومت و آزادی افراد که با تمهیدات خود بین قدرت و آزادی تعادل برقرار می‌کنند. دایره فعالیت‌های جوامع مدنی به ساختار حکومت و نهادهای دموکراتیک باز می‌گردد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۸)

## ۵) شاخص‌های حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، می‌کوشد تا شاخص‌هایی را برای تشخیص درجه خوبی حکمرانی یک جامعه نیز تعیین نموده و این شاخص‌ها را از طریق نشانگرها یا معیارهایی چند قابل سنجش نماید. بانک جهانی به عنوان یکی از نهادهای بین المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر نموده است، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرد. حکمرانی خوب بر اساس تعریف این نهاد شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها

شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند.

لذا تفاوت اساسی‌ای که این شبه پارادایم با بقیه شبه پارادایم‌ها دارد این است که حکمرانی خوب از سطح بین‌المللی یا فراملی به مدیریت دولتی کشورها تحمیل می‌شود، در صورتی که بقیه شبه پارادایم‌ها در سطح ملی و با توجه به علائق و سلائق دولتمردان و بافت فرهنگی، سیاسی جامعه خود از آن بهره می‌برند. عده‌ای در تعریف و شناسایی حکمرانی خوب به بیان شاخص‌های آن پرداختند، تا ضمن شناسایی حکمرانی خوب، با استفاده از شاخص‌ها به اندازه‌گیری و سنجش آن در جوامع مختلف بپردازند. برای این منظور افراد، گروه‌ها و نهادهای بین‌المللی هر یک شاخص‌ها و ویژگی‌هایی برای حکمرانی خوب معرفی نموده‌اند از جمله هاتروشاه شاخص‌هایی مانند: مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را برای حکمرانی خوب معرفی نموده‌اند و معتقدند که به هر میزان در دستیابی به ویژگی‌های معرفی شده موفقیت و توفیق حاصل شود، به حکمرانی خوب نزدیک می‌شود. در کل حکمرانی خوب با ویژگی‌هایی چون: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی (اجماع)، برابری، اثربخشی و کارآیی مطرح می‌شود.

الف) در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان‌ها و مدیریت نیروها و نهادهای منطقه‌ای و جهانی،

ب) پویایی محیط‌ها، فرآیندها، و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادهای،

ج) عقلایی کردن نقش دولت،

د) تقویت افراد، ذی‌نفعان، شهروندان و جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید،

ه) ایجاد هم‌افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیر رسمی،

و) ظرفیت‌سازی، شامل بهبود منابع انسانی، تقویت خط مشی و مدیریت مالی، و ایجاد و ارتقای شراکت در زمینه رشد،

ز) کارساز اقتصادی و برابر در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی.

در مقام بیان شاخصه‌های حکمرانی خوب و علایم مشخصه آن می‌توان جدول زیر را ترسیم نمود:

ردیف	شاخص‌ها	نشانه‌ها
۱	حق اظهارنظر مردم و پاسخگو بودن دولت	الف) تغییر منظم دولت‌ها، ب) نظام حقوقی شفاف و عادلانه، ج) توزیع برابر فرصت‌ها، د) میزان اطلاعات صاحبان کسب و کار
۲	ثبات سیاسی و عدم خشونت	الف) درگیری‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها، ب) قطبی شدن طبیف‌های سیاسی، ج) تنش‌های قومی، د) کودتا و براندازی

## ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب...؛ کلهری و همکاران

۳	اثر بخشی دولت	الف) کارآیی نهادهای دولتی، ب) توانایی دولت در اجرای برنامه‌ها، ج) کیفیت خدمات عمومی، د) سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار
۴	کیفیت مقررات یا بارمقررات	الف) مداخله دولت در اقتصاد، ب) کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، ج) موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، د) محدودیت‌های دولتی برای تأسیس بنگاه‌ها
۵	حاکمیت قانون	الف) اعتماد به نظام قضایی، ب) استقلال نظام قضایی، ج) کارآیی نیروهای امنیتی برای ایجاد امنیت، د) هزینه‌های تخلف، جرم و فساد در نظام بانکی
۶	مبارزه با فساد	الف) فساد مقامات دولتی، ب) فساد مدیران ارشد، ج) فساد در خدمات عمومی، د) پرداخت رشوه

### ۵-۱) مشارکت

منظور از مشارکت این است که مردم بتوانند با ابزارهایی نهادمند در اداره‌ی جامعه خود حداکثر مشارکت را داشته باشند. آزادی بیان و آزادی تشکیل حزب و مشارکت مدنی نهادمند از ویژگی‌های شاخص مشارکت می‌باشد. در شاخص مشارکت مردم از طریق نهادمند به تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خود می‌پردازند.

### ۵-۲) حاکمیت قانون

در این شاخص وجود قانون منصف در جامعه مدنظر است یعنی قانونی که برآیند مشارکت نهادمند جامعه باشد برای تحقق این منظور بایستی دستگاه قضایی بی طرف و عاری از فساد و پلیس قانونمند و بی طرف وجود داشته باشد.

### ۵-۳) شفافیت

در این شاخص منظور وجود گردش آزاد و ارزان و قابل فهم در جامعه برای مردم است. در شاخص شفافیت آزادی رسانه‌ها باید وجود داشته باشد و اطلاعات رانتهی و محدود نباشد.

### ۵-۴) پاسخگویی و مسؤولیت پذیری

یعنی نهادهای حکومتی در مقابل مطالبات مردم پاسخگو و مسؤول باشند و به نیازهای مردم و درخواست‌های آنان توجه عملی نشان دهند.

### ۵-۵) اجماع سازی

یعنی تصمیمات حکومت بایستی با توجه به منافع درازمدت مردم تهیه شود و از تصمیمات شتابزده باید خودداری کرد و بایستی از تمام نظرات موافق و مخالف در تصمیم سازی بهره برد تا اجماعی عمومی در بین گروه‌های سیاسی برای نیل به توسعه‌ی جامعه صورت گیرد. در اجماع سازی مشورت کردن با موافق و مخالف برای تدوین سیاست‌ها مهم می‌باشد.

### ۵-۶) برابری

یعنی تمام افراد جامعه باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند و امکانات در جامعه بر اساس انصاف و شایستگی توزیع شود و دولت باید به توانمند سازی اقشار ضعیف در جامعه بپردازد و حمایت‌های لازم و توان بخش از اقشار ضعیف صورت گیرد.

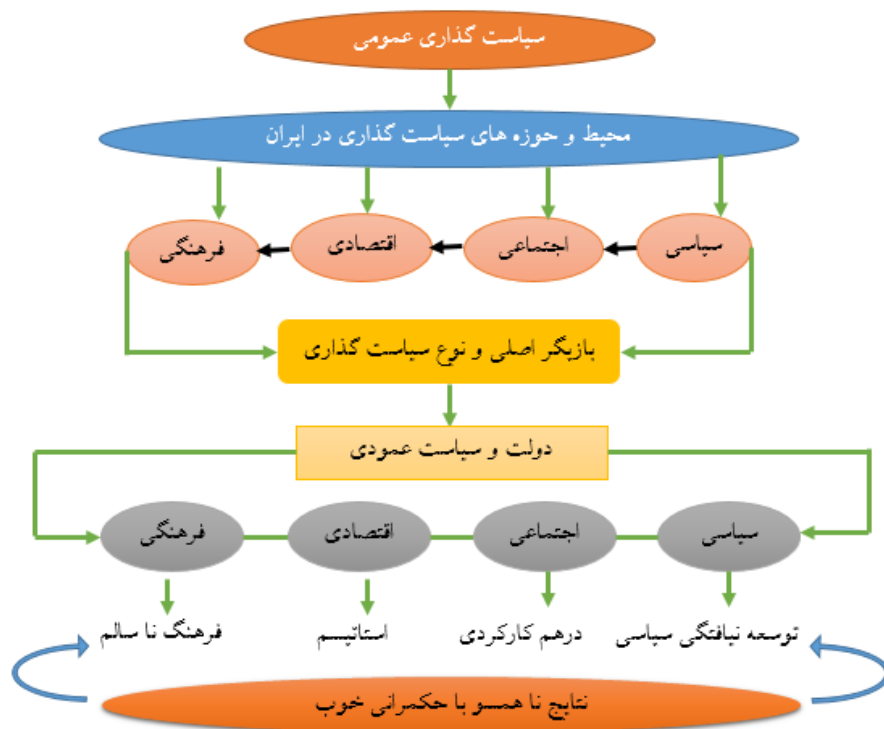
### ۵-۷) کارایی و اثر بخشی

یعنی حکومت از توانایی توزیعی بالایی برخوردار باشد و قانون‌هایی اثر بخش برای کارآمدی خدمات عمومی و در عین حال توجه به حفظ و تقویت محیط زیست تدوین نماید. وجود دیوان سالاری کارآمد در این شاخص مهم می‌باشد.

### ۶) مدل مفهومی پژوهش

مدل سیاستگذاری در ایران بیشتر با مدل نهادی نزدیک است. آنچنانکه گفته شد مدل نهادی بر ساختار سازمانی دولت در تعریف و اجرای سیاستگذاری تاکید دارد. در ایران اعمال سیاستگذاری به وسیله حاکمیت بیشتر در شخص پادشاه یا سلطان، حاکم یا شخص ولی فقیه تجلی یافته است. این وضعیت ناشی از فرهنگ سیاسی پدرسالار و الگوهای وبری است. براینند اجرایی سازی چنین مدلی در ایران منجر به حکمرانی خوب نمی‌شود.





### ۷) ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران

در یک نگاه کلی در ایران سیاست‌گذاری در چهار حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به شیوه عمودی صورت می‌گیرد. کارگزار اصلی سیاست‌گذاری در این چهار حوزه دولت است. به عبارت دیگر، دولت فعال مایشتا و بازیگر اصلی امر سیاست‌گذاری است. براینده دخالت دولت در سیاست‌گذاری در حوزه سیاسی توسعه نیافتگی سیاسی، در حوزه اجتماعی درهم کارکردی، در حوزه اقتصادی استاتیسیم یا اتاتیسیم و فربگی دولت و ضعف بخش خصوصی و در حوزه فرهنگی تولید فرهنگ سیاسی ناسالم خواهد بود.

جدول وضعیت ایران در حکمرانی خوبی بر اساس آمار بانک جهانی

شاخص‌های حکمرانی خوب	مشارکت	حاکمیت قانون	شفافیت	پاسخگویی و مسؤولیت پذیری	اجماع سازی	برابری	کارایی و اثر بخشی
آمار بانک بانک جهانی	۲۰/۴۸	۲۵/۹۶	۲۴/۲۵	۱۱/۳۳	۲۷/۲۴	۲۳/۲۶	۴۵/۶۷

### ۱-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر مشارکت

در ایران به علت فقدان فرهنگ سیاسی مشارکتی، روندها و فرایندهای مشارکت بسیار ضعیف است. فرهنگ مشارکت فقط موسمی است و می‌توان آن در هنگام برگزاری انتخابات مشاهده کرد. فرهنگ مشارکت در ایران بیشتر تبعی و محدود است. دولت در آرایش و چینش نامزدها از طریق نظارت استصوابی دخالت می‌کند. همچنین ما در فرهنگ مشارکت شاهد شکاف جنسی و شکاف سنی هستیم. شکاف سنی به این معنی که زنان تابع همسران خود دست به انتخاب می‌زنند و استقلال رأی در انتخاب‌ها را ندارند. شکاف سنی همه جوانان انگیزه بیشتری نسبت به میان سالان و پیران در مشارکت را دارند. فقدان احزاب نهادینه شده نیز روندها و سمت‌گیری‌های مشارکت را به طرف مشارکت تبعی و محدود سوق می‌دهد. به این ترتیب در جمهوری اسلامی ایران شرکت در انتخابات و انداختن برگ رأی به صندوق رأی تنها نشانه فرهنگ مشارکتی است.

### ۲-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر حاکمیت قانون

در جمهوری اسلامی ایران به رغم پذیرش تفکیک قوا ما شاهد در هم کار کردی سه قوا هستیم. کار کرد های سه قوا بر اساس اراده حاکمیت (دولت) اعمال و اجرا می‌شود. در وضعیت تداخل کارکردی استقلال قوا در تمثیت نظام سیاسی تقلیل می‌یابد. به این ترتیب دولت در وضع قانون، اجرای قانون و نظارت بر آن فعال مایشا است. به این ترتیب هنجاری که متاسفانه در جامعه رو به افزایش است، قانون‌گریزی است تا قانون‌مداری. بخشی از روندهای قانون‌گریزی، ناشی از عدم اعتماد به نظام قضایی، است. به این معنی که نظام قضایی در اجرای قوانین تبعیض آمیز عمل می‌کند و برخی از الیت‌های ابزاری را از اجرای قانون معاف می‌دارد. هزینه‌های تخلف، جرم و فساد در نظام بانکی شاهدهی بر این مدعاست. از سویی دولت بدون توجه به شرایط جامعه و امکان‌سنجی در خصوص اجرای یک قانون و اثرات آن بر جامعه اقدام به وضع یک قانون می‌نماید و از سوی دیگر شهروندانی که هنوز قانون در وجودشان نهادینه نشده و فشارهای مختلف از همه طرف به آنان فشار وارد کرده و با الگو قرار دادن طبقه حاکم سعی در یافتن مفری برای اجرای قوانین دارند. بحث دیگر، موضوع تفاسیر مختلف از قانون است که در این باره می‌توان به نظارت استصوابی اشاره کرد. در واقع تفاسیر مختلفی نیز که از قانون صورت می‌گیرد و کثرتا توسط قضات صورت می‌گیرد، خود نوعی قانون‌گریزی است تا قانونمداری.

### ۳-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر شفافیت

در جمهوری اسلامی ایران، شفافیت مصلحتی است. به این معنی که اگر شفافیت منجر به تقویت نظام سیاسی باشد، انگیزه برای شفافیت تقویت می‌شود. صدا و سیما و جراید دست راستی تریبون انعکاس شفافیت است. اما هنگامیکه شفافیت در جهت منافع نظام نباشد، سانسور جای شفافیت را می‌گیرد. به این ترتیب سانسور جای شفافیت را می‌گیرد. کارگزار و عامل اتخاذ چنین راهبردی حاکمیت است و روندهای آن بر اساس مصلحت اعمال می‌گردد. اما موضوع شفافیت داده‌ها و اطلاعات اقتصادی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین موضوعات در اداره اقتصاد به شمار می‌رود و در غالب کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته مساله شفافیت از اساسی‌ترین الزامات اقتصادی است. شفافیت لازمه تحول اقتصادی است. امروزه همه نهادهای بین‌المللی بر نقش شفافیت اقتصادی در پیشبرد اهداف اقتصادی نظام‌های اقتصادی تاکید و این مؤلفه را عاملی مهم در زمینه‌سازی هر چه بیشتر رشد اقتصادی سالم و پایدار معرفی می‌کنند. متأسفانه نبود شفافیت، باعث بی‌انضباطی در اقتصاد ایران شده است. این بی‌انضباطی شامل بی‌انضباطی پولی که ما آن را در سیستم بانکی ملاحظه می‌کنیم، بی‌انضباطی مالی که آن را در سند بودجه می‌بینیم و بی‌انضباطی اداری است که آن را در سیستم اداری می‌بینیم. به جای آنکه مسابقه بگذاریم و افراد را جذب کنیم، افراد بی‌کفایت را وارد خدمات دولتی می‌کنیم. در حالی که همه جای دنیا از طریق مسابقه و آزمون بهترین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های درجه یک را جذب دولت می‌کنند.

### ۴-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر پاسخگویی و

#### مسئولیت پذیری

علی‌رغم تلاش در جهت تغییرات منظم عملاً تغییرات منظم و براساس نیازمندی‌های جامعه نبوده و بیشتر تداخل وظایف و غیرتخصصی کردن امور را موجب شده است و دولت تنها با جلب نظر مردم به مسائل غیر ضروری سعی در کتمان معضلات دارد، اینکه هیچ مقامی خود را ملزم به رفع مسائل مردم و بیان عملکرد خود نمی‌داند. از سوی دیگر، پیشرفت روزافزون سرمایه‌دارانی که به پشتوانه ثروت خود و یا رابطه با سران کشور توانسته‌اند از امکانات بیشتری بهره‌گیرند و کفه ترازوی عدالت را به نفع خود سنگین‌تر کنند و نهایتاً شکاف عمیق طبقاتی، همگی نشانگر سیستمی غیر شفاف و ناعادلانه است. در راستای پاسخگویی باید سه نهاد دولتی، خصوصی و مردم در مقابل هم پاسخگو باشند، اما نهادهای خصوصی نیز تا وقتی کوچک هستند، تنها در برابر دولت پاسخگو هستند و مردم نیز به واسطه شهروندی ملزم به پاسخگویی هستند اما سایر روابط پاسخگویی وجود.

**۵-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اجماع سازی**  
در ایران به جهت شرایط رانتهی و موازی کاری و نفوذ نخبگان ابزاری در فرایندهای تصمیم گیری و تصمیم سازی فرایند امر اجماع کار مشکلی شده است. دولت عامدان و با تلقی کردن نخبگان فکری به عنوان نیروهای غیر خودی، قدرت مانور نخبگان فکری را در فرایند تصمیم گیری را کاهش می‌دهد. در شرایط رانتهی افراد بدون شایستگی و استحقاق به کار گرفته می‌شوند. نخبگان ابزاری نیز به جهت نزدیکی به چرخه قدرت خود را در تصمیم گیری‌های امور خطیر محق می‌بینند. این شرایط زمینه را برای اجماع سازی فراهم کرده است.

**۶-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر برابری**  
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ثمره انقلاب مردمی ایران با رهبری امام راحل (ره) است، به اشکال گوناگونی به حقوق اساسی مردم و ملت ایران اشاره کرده است. در بررسی قانون اساسی مشخص می‌شود، این قانون بر تعدادی اصول کلی و بنیادین استوار است که بر اساس آنها دیگر اصول و مفاد قانون نگاشته شده است. در فصل سوم قانون اساسی که به موضوع حقوق ملت اختصاص دارد، اولین اصل یعنی اصل نوزدهم قانون اساسی چنین بیان می‌کند: مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. همچنین در بند نهم از اصل سوم قانون اساسی بیان شده است: دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد. در شرایط حاضر و به رغم نص قانون اساسی مبنی بر برابری متاسفانه مکانیسم‌های برخورد و مواجهه بر اساس برابری نیست و کسانی که به چرخه منظومه قدرت نزدیک‌ترند از حاکمیت بهره بیشتری می‌برند.

**۷-۷) ارزیابی شاخصه‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر کارایی و اثر بخشی**  
واقعیت آن است که کارایی و اثر بخشی حاکمیت نتیجه مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی (اجماع)، برابری است، لذا و از آنجائیکه در جمهوری اسلامی ایران هریک از این شاخص‌های حکمرانی خوب با کارگزاری دولت با نقص مواجه است ما نمی‌توانیم شاهد کارایی و اثر بخشی سازوکارهای امر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نظام سیاسی حاکمیت باشیم.

### نتیجه‌گیری

درک و شناخت عمیق مفهوم حکمرانی خوب، می‌تواند معیارهای ارزشمندی را فراهم کند که به دولتها و جوامع کمک کند تا درک بهتری از رابطه بین اشکال مختلف نهادی و راه‌های فراهم آوردن سلامت اجتماعی اقتصادی برای شهروندان به دست آورند. درک بهتر حکمرانی خوب می‌تواند یک نقشه راه یا مبنایی برای قضاوت در خصوص مفاهیمی چون: دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است و درعین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزشها در یکجا جمع شوند و با ایجاد حداکثر همگرایی و همسویی، اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود. در یک نگاه کلی در ایران سیاستگذاری در چهار حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به شیوه عمودی صورت می‌گیرد. کارگزار اصلی سیاستگذاری در این چهار حوزه دولت است. به عبارت دیگر، دولت فعال مایشا و بازیگر اصلی امر سیاست گذاری است. برآیند دخالت دولت در سیاستگذاری در حوزه سیاسی توسعه نیافتگی سیاسی، در حوزه اجتماعی درهم کار کردی، در حوزه اقتصادی استاتیسیم یا اتاتیسیم و فربگی دولت و ضعف بخش خصوصی و در حوزه فرهنگی تولید فرهنگ سیاسی ناسالم خواهد بود.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). در آمدی بر جامعه شناسی معاصر ایران، تهران: نشر قومس.
- زورانی، سید محسن (۱۳۹۳). حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی ایران شهری، تهران: نشر ورسه.
- قشقایی نژاد، مرجان (۱۳۹۵). اصول حکمرانی خوب در ایران، تهران: نشر جنگل.
- مقدری، مهدی (۱۳۹۵). در آمدی بر حکمرانی خوب، تهران: نشر جنگل.
- ملک محمدی، حمید رضا (۱۳۹۴). مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی، تهران: نشر سمت.
- وحید، مجید (۱۳۹۵). سیاستگذاری عمومی، تهران: نشر میزان.

<http://www.doingbusiness.org/rankings>